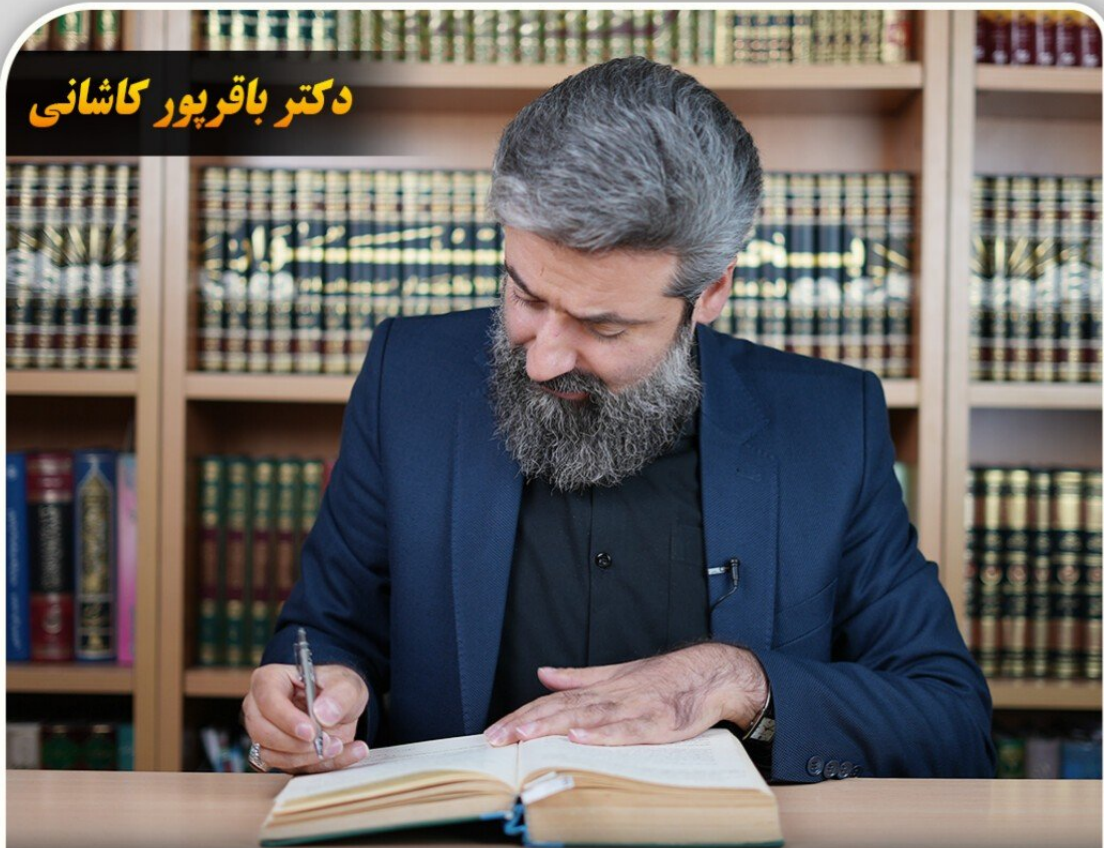


دکتر باقرپور کاشانی



قاعدالتی در تاریخ طبری

ناعدالتی در تاریخ طبری

ببینید من یک نکته‌ای را اینجا اول خدمت عزیزان عرض کنم؛ در مواجهه با مسائل تاریخی ما باید توجه داشته باشیم که به شیعه اجازه ندادند تاریخ داشته باشد! شما ببینید که در ارتباط با خلفای بنی امیه و بنی‌عباس قدرت دست چه کسانی بود، قدرت دست کسانی بود که زاویه با ائمه معصومین علیهم‌السلام داشتند، کسانی بودند که دشمن شیعه بودند، دلیل بر دشمنی‌شان هم اینکه نگاه می‌کنی، قاتلین ائمه معصومین علیهم‌السلام خود خلفا بودند! چه بنی امیه چه بنی‌العباس. خب ببینید این تاریخ‌ها که در آن ایام نوشته شده، نمی‌گذاشتند که شیعه دست به قلم بشود یا اگر مطلبی را هم می‌نوشت طرف را می‌گرفتند و آثارش را می‌سوزاندند و خودشان را هم از بین می‌بردند یا زندانش می‌کردند!

پس این‌ها بها دادن به مورخینی که هم‌فکر خودشان باشند! علمای
درباری، علمایی که هم‌فکر خودشان باشند، حتی با سفارش خود خلفا،
این‌ها تاریخ می‌نوشتند. دلیلش هم این است که بسیاری از سانسورهایی
که شده، همین تاریخ طبری را اگر نگاه بکنید، این تاریخ طبری می‌بینید
یک سری مواضعی که در ارتباط با شیعه‌ست، مواضعی که در ارتباط با
ضرر اهل تسنن هست، مواضعی که به ضرر خلفا هست، آن‌ها را می‌آید
سانسور می‌کند! چند نمونه خدمتتان عرض بکنم فقط می‌خواهم اشاره
بکنم که در تاریخ‌ها وضعیت چیست؛ چون در دانشگاه‌های ما می‌گویند
مثلاً «تاریخ طبری»، این‌طوری به ذهن‌ها خطور نشود که آقا یک تاریخ
بسیار معتبری هست که واقعاً این منعکس کرده در این کتاب خودش!
نه! این آدم تا جایی که توانسته فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را کم کرده،
فضائلی که بسیاری از بزرگان محدثین عامه، مثل کتاب «صحیح مسلم و
بخاری»، آن‌ها را نتوانستند انکار بکنند؛ این آمده این فضا را کمرنگ
کرده، این‌ها را محو کرده! بعد یک چیزهایی که آن‌قدر اهمیت ندارد، ده
صفحه می‌آید توضیح می‌دهد!

مثلاً می‌آید بحث می‌کند در ارتباط با اختلاف محمدبن ابوبکر با معاویه؛
محمدبن ابوبکر پسر ابوبکر هست، اما از ارادتمندان به شیعیان
امیرالمؤمنین علیه‌السلام هست، که معاویه باعث شد محمدبن ابوبکر
شهادت بشود و به طرز فجیعی محمدبن ابوبکر را به شهادت رساند و
بدن محمدبن ابوبکر را سوزاند!

اما وقتی یک سری بحث‌هایی را می‌خواهد وارد بشود در مورد مقابله
بین محمدبن ابوبکر و معاویه، می‌نویسد بنده مایل نیستم این را ادامه
بدهم!

صراحتاً می‌نویسه‌ها! چرا؟ چون اینجا می‌بیند که آقا اگر مسئله را
بخواهد بازگو بکند، معاویه می‌رود زیر سوال! به نفعش نیست که اینجا
بخواهد گزارشی از مطالب بنویسد، جنایتهای معاویه را بیان کند،
معاویه برود زیر سوال! پس چیه؟ خودش علناً می‌آید می‌گوید بنده مایل
نیستم، یک جاهای دیگر می‌نویسد مردم مایل نیستند، یا جایگاهی که
زمانه مایل نیست که این را من بنویسم!

آقا تو چه کار داری؟ تو مورخ هستی، یک تاریخ نویس وظیفه‌اش حفظ امانت است، چه خوشت بیاید چه خوشت نیاید، تاریخ را بنویس!

نهایتش نقد کن، اما تو خوشت نیاید، گزارش‌های تاریخی را خواهی ننویسی و این چیزهایی که به نفع خلفا و ضد شیعه هست را پر رنگش بکنی، این انصاف نیست، این عدالت نیست که! آن شخصیت (نویسنده تاریخ طبری) این کار را می‌کند. این آقایان، آتئیست‌هایی که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم از همین کتاب‌ها استفاده می‌کنند و مطالب را بیان می‌کنند و پر از اکاذیب در این کتاب‌هاست؛ آخه، عرض من این است که اجازه ندادند شیعه تاریخ بنویسد! مثلاً از جمله همین آقای سلیمانی امیری کارش همین است؛ خوش بیان است، حافظه قوی هم دارد، سرچ بکنید شما نگاه کنید تا دلتان بخواهد کلیپ داده، سخنرانی داده، بحث داده، کارش هم تاریخ است؛ اسم‌ها را حفظ می‌کند، می‌گوید سریع! این قدر خوش بیان است و گاهی این اسم‌ها را می‌گوید، که یک نفر می‌گفت که من وقتی که صحبت‌های ایشان را گوش می‌دهم فکر می‌کنم در عصر پیامبر دارم سیر می‌کنم! اما چی؟! عدالت را رعایت نمی‌کند...

ایشان (سلیمانی امیری)، حتی همان مطالب تاریخ طبری را که می‌آید
می‌گوید، نقاط قوتی که باز به نفع شیعه‌ست، آن‌ها را هم حذف می‌کند!
یعنی به صورت ناعادلانه کامل این را برخورد می‌کند، و می‌گوید نگاه
کنید؛ این کتاب، این صفحه، این جلد این مسئله بیان شده است!



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir